

گفت‌وگو با مهندس علی زرافشان، معاون آموزش متوسطه

حرف اصلی سند تحول، تغییر ریل از آموزش به تربیت است



اشاره

مهندس علی زرافشان معاون آموزش متوسطه وزارت آموزش و پرورش، چون همیشه، با روی گشاده و صمیمانه، دعوت ما را برای گفت‌وگو درباره مهم‌ترین مسائل آموزش و پرورش، به‌ویژه موضوعات مرتبط با دوره دوم متوسطه، از جمله جدول ساعات درسی، تألیفات جدید در پایه یازدهم، کم و کیف برنامه‌های آموزش معلمان، سند تحول بنیادین و چالش و معضل کنکور، پذیرفت و دلسوزانه از مشکلات و تنگناها سخن گفت. وی همچنین امیدها، موفقیت‌ها و چشم‌اندازهای روشن نظام آموزشی را، البته در صورت هشیاری و دقت مجریان نظام آموزشی، برای تحقق مفاد سند تحول و راه‌های تبدیل آموزش به تربیت برشمرد. متن کامل گفت‌وگو با این مدیر ارشد وزارتی را که بیش از سه دهه سابقه خدمت در عرصه تعلیم و تربیت را دارد، با هم می‌خوانیم.

● با توجه به گذشت یک سال از اجرای دوره دوم متوسطه، دورنمای این دوره را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

○ دورنمای دوره متوسطه در شاخه‌های مختلف متفاوت است. در دوره متوسطه، سه شاخه نظری، فنی و حرفه‌ای و کردانش را داریم که هر کدام از آن‌ها با توجه به تغییراتی که در دوره متوسطه اتفاق افتاده است، شرایط خاص خودشان را دارند. تغییرات شاخه نظری، نسبت به وضع گذشته، در حوزه برنامه‌های درسی و اضافه شدن برخی دروس جدید است، خصوصاً اینکه این دروس پاسخگوی برخی از مطالب سند تحول است و همان‌طور که می‌دانیم هدف سند تحول



هم آماده کردن دانش‌آموزان برای «حیات طیبه» یا زندگی پاک است. این دروس همچنین تاحدی آموزش متوسطه را با زندگی فردی و اجتماعی دانش‌آموزان پیوند می‌زند؛ برخی از این دروس در شاخه فنی و حرفه‌ای و کردانش هم مشترک است، لذا به‌طور طبیعی همین کارکرد را در آن دو شاخه هم خواهد داشت.

قبلاً در شاخه نظری، دوره ۱۲ ساله را داشتیم، بچه‌ها در پایه دوازدهم امتحان نهایی می‌دادند، الان هم امتحان نهایی به پایه دوازدهم منتقل خواهد شد. برای تحقق مطلوب برنامه درسی جدید، با چالش‌های جدیدی مواجه هستیم. البته در شاخه فنی و حرفه‌ای و کردانش، با توجه به این که یک دوره ۱۱ ساله به دوره ۱۲ ساله تبدیل شده، چشم‌انداز مثبت است. زیرا دانش‌آموزان احتمالاً با شایستگی‌های بیشتری برای ورود به بازار کار یا ادامه تحصیل در دوره‌های کردانی آماده خواهند شد اما این کار خالی از چالش نیست و ابهاماتی دارد که در حین عمل آشکار می‌شود. یکی از این چالش‌ها بحث ۱۲ ساله شدن این شاخه است و اینکه بعد از ۱۲ سال، مسیر ادامه تحصیل و یا بحث ادامه شغل بچه‌ها چه خواهد شد؟ ما جلساتی در این باره با مجموعه‌های از ذی‌نفعان و همچنین با دانشگاه فنی و حرفه‌ای، که خروجی‌های ما وارد این دانشگاه می‌شوند، داشته‌ایم و دو کارگروه را برای این کار شکل دادیم یکی «کارگروه برنامه درسی» که در حال طراحی و بازنگری برنامه ۵ ساله

* درس تفکر و سواد رسانه‌ای، ادامه درس تفکر و پژوهش در دوره ابتدایی است



محیط‌زیست را برای فرهنگ‌سازی حفظ محیط‌زیست و جلوگیری از تخریب آن وارد برنامه درسی کرده‌ایم. اما این گونه درس‌ها چون جدید هستند همیشه برای استقرار با یک چالش روبه‌رو می‌شوند، معمولاً در فصل آخر راهنمای برنامه درسی این درس، استلزامات برنامه درسی مطرح می‌شود و می‌گویند اجرای مطلوب این برنامه به چه چیزهایی نیاز دارد. مثلاً استلزامات حوزه آموزش این است که آزمایشگاه داشته باشیم، کارگروه داشته باشیم و به‌طور کلی امکانات موردنیاز اجرا را تهیه کنیم.

اولین چالش جدی برای درس جدید مسئله آموزش نیروهای انسانی متخصص یا حرفه‌ای برای تدریس این درس‌هاست. چالش دوم که ویژه کشور ماست، بحث حاکمیت کنکور است، و چون این درس معمولاً در کنکور نقشی ندارند ممکن است در مدارس به آن‌ها توجه لازم نشود. اگر چالش اول که نیروی انسانی است حل نشود، چالش دوم خیلی جدی‌تر مطرح می‌شود، یعنی علاوه بر خود کنکور، نبود نیروی متخصص برای آموزش این درس باعث به حاشیه راندن آن‌ها می‌شود. لذا باید اهتمام جدی صورت گیرد و مدارس و مدیران و مسئولین مناطق با نظارت‌هایی که دارند و برنامه‌های توجیهی که می‌گذارند، جایگاه این درس را، هم در زندگی تحصیلی و هم در زندگی اجتماعی و فردی بچه‌ها، و جامعه توضیح دهند. به نظر می‌آید برنامه‌های خوبی تدارک دیده شده است که ان‌شاءالله بتواند اجرای خوب آن هم تحقق اهداف آن را برای جامعه فراهم کند.

● نظر شما در خصوص تأمین و آموزش دبیران دوره دوم متوسطه و برگزاری دوره‌های آموزش ضمن خدمت به صورت الکترونیکی برای سال آینده به‌ویژه در درس جدیدالتألیف، چیست؟

○ امسال برای پایه یازدهم، نسبت به پایه دهم، شرایط ما خیلی مطلوب‌تر است. سال گذشته چون جدول مواد درسی مقداری با تأخیر به تصویب رسید، تألیف کتاب‌ها و آموزش معلمان هم با مشکل روبه‌رو شد، ولی امسال جدول مواد درسی سه پایه همزمان تصویب شد و سازمان پژوهش از قبل می‌دانست که با چه دروسی مواجه است و چه کتاب‌هایی را باید تألیف کند. اکنون نسبت به سال

آموزش‌های فنی و حرفه‌ای پیوسته است تا از نظر برنامه درسی مسیر روشن باشد و دیگری «کارگروه اجرایی» است تا بررسی کند که نحوه و شرایط ادامه تحصیل دانش‌آموزان چگونه خواهد بود و چه مسیری جلوی راه دانش‌آموزان قرار خواهد گرفت.

● جایگاه دروس جدید مانند آزمایشگاه، تفکر و سواد رسانه‌ای هنر، کارگاه کارآفرینی و تولید، انسان و محیط‌زیست در جدول دروس دوره دوم متوسطه نظری را چگونه می‌بینید؟

○ درس تفکر و سواد رسانه‌ای، ادامه درسی است که از دوره ابتدایی تحت عنوان «تفکر و پژوهش» شروع شد و در دوره اول متوسطه هم ادامه پیدا کرد و هدفش، تقویت قدرت تفکر و تعقل دانش‌آموزان در مواجهه با مسائل است. این یکی از نیازهای امروز جامعه ماست و در ادبیات آموزش و پرورش تحت عنوان «تفکر نقاد» از آن یاد می‌شود و زندگی امروز جوامع بشری با توجه به گستردگی و تأثیرگذاری رسانه‌ها، این ضرورت را ایجاب کرده است. بحث هنر را قبلاً در دوره متوسطه نداشتیم ولی اخیراً اضافه شده است. همچنین تولید و کارآفرینی یکی از موضوعات مهم امروزه جامعه ماست. همان‌طور که می‌دانید چند سالی است که در نامگذاری سال به «تولید» توجه می‌شود. بالاخره از یک طرف با نسل جویای کار روبه‌رو هستیم و از طرف دیگر نیز فرصت‌های شغلی مان محدود است. راه برون‌رفت از این وضع، کارآفرینی است و ضرورت دارد دانش‌آموزان هم در شاخه‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش، با موضوع کارآفرینی آشنا شوند و هم به جای آنکه به دنبال شغل باشند، خودشان کارآفرین باشند.

موضوع مهم دیگر، بحث انسان و محیط‌زیست است. چالش‌های محیط‌زیستی، امروزه جزو موضوعات ملی است و البته بین‌المللی هم شده است و همه دنیا درگیر آن هستند. برای اینکه بتوانیم کودکان و نوجوانان امروز را آماده کنیم تا در آینده زندگی مناسبی داشته باشند، باید محیط‌زیست مناسبی برای آنان آماده سازیم. می‌دانید که مسائل زیست‌محیطی جامعه ما را تهدید می‌کند. مثلاً خوزستان امسال وضع دشواری در حوزه ریزگردها داشت و مردم با مشکلات جدی روبه‌رو شدند. اکنون مسائل زیست‌محیطی دغدغه جدی مسئولین کشور شده است. بحث آلودگی هوا هم که جزئی از آن است به چالش دیگری تبدیل شده و مردم را تهدید می‌کند. لذا بحث انسان و

* حضور رسانه‌های دیداری - شنیداری می‌تواند به ارتقای کیفیت آموزش معلمان کمک کند



قبل در تألیف کتاب‌های درسی خیلی جلوتر هستیم، چون کتاب‌های درسی، حلقه اصلی اتصال بقیه عوامل با یکدیگر است. خوشبختانه در کارگروهی که تقریباً از نیمه دوم سال ۹۵ تشکیل شد و مدیریت آن را به معاونت متوسطه واگذار کردند، از همه بخش‌های ذیربط دعوت کردیم تا در این کارگروه حضور یابند آن‌ها نیز برنامه و تقویم اجرایی خودشان را از مهرماه ۹۵ تا مهرماه ۹۶ آوردند و برنامه‌ای برای اقدامات هنربخش تنظیم شد. مثلاً سازمان پژوهش در تألیف کتاب‌های درسی چه اقداماتی را باید انجام دهد؛ معاون آموزش متوسطه در بحث آموزش نیروی انسانی چه کاری باید انجام دهد؛ معاون نوسازی در بخش تأمین و تجهیز فضا چه کاری باید انجام دهد. این تقسیم کار انجام و جداول تهیه شد و سپس پیگیری برگزاری دوره‌های یک ماهه و دریافت گزارش از پیشرفت کار صورت گرفت. کارگروهی که برای تأمین نیروی انسانی و آموزش آن تشکیل شد، متشکل از معاونت نیروی انسانی، سازمان پژوهش و معاونت متوسطه بود که برنامه‌ریزی لازم را برای این کار انجام دادند. با توجه به توسعه فناوری‌های جدید اطلاعات، برای اینکه بتوانیم از ظرفیت‌های تلویزیون تعاملی در آموزش معلمان استفاده کنیم از سه سال قبل رایزنی‌هایی را به عمل آوردیم. اکنون این روند تقریباً مراحل پایانی خود را طی می‌کند. از برخی تجربیات گذشته مانند فضای مجازی نیز استفاده می‌کنیم. تجربه آن‌ها را هم داریم. ارزیابی‌هایی هم که از معلمان شده نشان می‌دهد که سهولت دسترسی به فضای مجازی سبب می‌شود معلمان بتوانند بدون مشقت در منزل خود یادگیری را انجام دهند و جواب پرسش‌ها و مشکلات را بگیرند و این امکان می‌تواند ما را در کارمان موفق بدارد. امسال به نظر می‌رسد حضور رسانه‌های دیداری - شنیداری برای آموزش معلمان بتواند به ارتقای کیفیت آموزش معلمان کمک کند. خوشبختانه در حوزه آموزش معلمان اتفاق جدیدی رخ داده است که شاهد شکل‌گیری مراکز غیردولتی برای برگزاری برنامه‌های آموزش معلمان هستیم. بعضی از آن‌ها رایگان است و برخی نیز با دریافت مبلغی اجرا می‌شود. آن‌ها نوعاً از ظرفیت فضای مجازی برای آموزش معلمان استفاده می‌کنند و گاهی نیز از ظرفیت فضای حقیقی هم بهره می‌برند؛ لذا در پایه یازدهم، با نوآوری‌هایی در حوزه آموزش معلمان روبه‌رو

هستیم که می‌تواند به ارتقای کیفیت یادگیری کمک کند. کار خوبی هم که در سال‌های اخیر سازمان پژوهش انجام می‌دهد، تولید بسته‌های «بر فراز آسمان» است که در اختیار معلمان قرار می‌گیرد. مخصوصاً با توجه به اینکه در دوره دوم متوسطه، معلمان، دروس تخصصی را تدریس می‌کنند لذا هر معلمی باید بسته تخصصی خود را دریافت کند، تولید این بسته‌ها کار را سهل می‌کند زیرا معلم در طول سال تحصیلی می‌تواند برای آمادگی خود به این بسته که به شکل لوح فشرده یا سی‌دی ارائه می‌شود رجوع کند. با توجه به این توضیحات به نظر می‌رسد در حوزه آموزش منابع انسانی، امسال با وضعیت مطلوبی مواجه شویم.

● شبوه و نحوه برگزاری امتحانات نهایی در دوره دوم متوسطه را بیان کنید.

○ با توجه به اینکه ساختار آموزشی ۱۲ ساله شده است، طبیعتاً امتحانات نهایی، از پایه سوم پیشین به پایه دوازدهم منتقل می‌شود، مثل گذشته دور که نظام ۶-۳-۳ را داشتیم و یا دوره‌ای که نظام متوسطه چهار ساله بود. براساس آیین‌نامه موجود که ۱۰ یا ۱۱ درس به صورت نهایی برگزار می‌شود، امتحانات همین تعداد دروس در پایه دوازدهم به شکل نهایی خواهد بود. در حال حاضر، علاوه بر دروس پایه یازدهم، ۴ درس از دروس دوره پیش‌دانشگاهی هم به صورت نهایی برگزار می‌شود، چون قانون پذیرش دانشجو، سوابق تحصیلی را یکی از ملاک‌های پذیرش دانشجو تعیین کرده است. سوابق تحصیلی نیز شامل دروسی است که امتحانات آن‌ها به صورت نهایی و سراسری برگزار می‌شود. این امتحانات، بخشی از آن امتحانات پایه یازدهم به علاوه ۴ درس از دوره پیش‌دانشگاهی است. اکنون این بحث مطرح است که با حذف دوره پیش‌دانشگاهی، بتوانیم برخی از دروس پایه یازدهم را به صورت نهایی برگزار کنیم، البته در صورتی که برای سابقه تحصیلی و ورود به دانشگاه ضرورت داشته باشد و شورای پذیرش دانشجو این ضرورت را تصویب کند. در یکی از کمیسیون‌های شورای عالی آموزش و پرورش چند بار بحث امتحانات نهایی مطرح شده است و اکنون روی آن کار می‌کنند، به‌زودی نتایج آن باید برای تصویب به شورای عالی برود تا دانش‌آموزان پایه یازدهم از همان شروع سال تحصیلی تکلیف خود را بدانند. در این مورد هنوز چیزی قطعی نیست. در حال حاضر، سوابق تحصیلی به میزان ۲۵ درصد در شرایط ورود دانش‌آموزان به دانشگاه تأثیر مثبت دارد که ۲۰ درصد آن به امتحانات پایه یازدهم

و ۵ درصد آن به پیش‌دانشگاهی اختصاص دارد. اگر شورای پذیرش همان درصد تعیین شده برای پایه یازدهم را کافی بداند ما نیز همان را ملاک قرار می‌دهیم، اما اگر قرار است با توجه به قانون حذف دوره پیش‌دانشگاهی، برخی از دروس دوره متوسطه نیز به صورت نهایی برگزار شود، (حالا این برخی می‌تواند دروس پایه دوازدهم باشد و یا می‌تواند دروس پایه‌های پایین‌تر هم باشد و باید در شورای عالی آموزش و پرورش تعیین تکلیف شود). باید تا قبل از شروع سال تحصیلی تکلیف این مسئله روشن شود تا مدارس و بچه‌ها بدانند چه دروسی، به صورت نهایی برگزار می‌شود.

● در مورد نحوه برگزاری کنکور و چالش‌ها، و آسیب‌های برگزاری آن به شکل فعلی برای دانش‌آموزان نظام جدید آموزش متوسطه، توضیح دهید.

○ مجلس شورای اسلامی تاکنون دوبار نسبت به قانون کنکور مصوبه داشته است. در مصوبه اول، بحث حذف کنکور مطرح شد و ۵ سال نیز آن مصوبه اجرا شد و اقداماتی از جمله تشکیل کارگروه‌ها و شوراهای هم صورت گرفت. بعد از ۵ سال، مجلس با ارزیابی که انجام داد، دوباره قانون جدیدی را تصویب کرد که عنوان آن «قانون پذیرش دانشجو» است. در این قانون برای پذیرش دانشجو سه راه پیش‌بینی شده است. راه اول، صرفاً بر مبنای سوابق تحصیلی است و معنایش این است که بخشی از دانش‌آموزان فقط بر مبنای دروسی که در مدرسه خوانده‌اند و نمراتی که گرفته‌اند، خصوصاً دروسی که امتحانات آن‌ها به صورت نهایی است، پذیرفته می‌شود. در این قانون پیش‌بینی شده که سابقه تحصیلی باید به نحوی باشد که ۸۵ درصد ظرفیت پذیرش دانشجو از طریق آن باشد. یعنی ظرفیت پذیرش دانشگاه‌های ما هر قدر باشد، باید ۸۵ درصد پذیرش دانشجو در آن‌ها از این طریق انجام شود. روش دوم، روش پذیرش براساس سابقه تحصیلی و دروس عمومی است. روش اول برای جاهایی است که تعداد داوطلب کمتر از ظرفیت باشد و روش دوم برای جاهایی است که تعداد داوطلب بیشتر از ظرفیت است ولی خیلی تراکم داوطلب وجود ندارد. در روش سوم که روش کنونی و در حال اجرا است، پذیرش دانشجو بر مبنای سابقه تحصیلی، دروس عمومی و دروس تخصصی است این روش تقریباً برای ۱۵ درصد ظرفیت دانشگاه‌هاست که داوطلب زیادی دارد و انتخاب متقاضیان صرفاً براساس سابقه تحصیلی امکان‌پذیر نیست. در برخی از این رشته‌ها و دانشگاه‌ها افرادی که شرکت می‌کنند

تقریباً سابقه تحصیلی آن‌ها با هم برابر است، لذا قانون‌گذار پیش‌بینی کرده است از طریق برگزاری آزمون کنکور این کار صورت گیرد. در حال حاضر دانشگاه پیام‌نور، دانشگاه آزاد دانشگاه‌های دولتی و اخیراً برخی از دانشگاه‌های شبانه، داوطلبان خود را براساس سابقه تحصیلی جذب می‌کنند و نزدیک به ۸۰ درصد ظرفیت این دانشگاه‌ها از این طریق جذب می‌شوند. دو سالی هم هست که برخی از رشته‌های روزانه نیز به آن اضافه شده است.

آنچه باعث شده این اتفاق بیفتد، ناشی از تغییر هرم جمعیتی کشور است. در سال‌های اخیر شاهد کاهش داوطلب کنکور هستیم برای بسیاری از رشته‌ها نیز داوطلب وجود ندارد و از تعدادی صندلی‌های خالی در دانشگاه‌ها صحبت می‌شود. مثلاً همین امسال اعلام شد که در رشته ریاضی و انسانی ظرفیت‌ها تقریباً دو یا دو و نیم برابر داوطلبان است؛ یعنی هر کس شرکت کند پذیرفته می‌شود. تازه این برای دانشگاه‌های دولتی است. دانشگاه‌های آزاد و غیرانتفاعی هم هستند و ظرفیت خالی بسیار بیشتر از این است. به این جهت افراد صرفاً براساس سوابق تحصیلی می‌توانند مراجعه کنند و در رشته‌های مورد علاقه خود ثبت‌نام کنند. یکی از مزایای این شرایط این است که اگر در روش فعلی کنکور به یک داوطلب اجازه داده می‌شود تا صد رشته را انتخاب کند که پاسخگوی علاقه او نیست. (چون ممکن است فرد حداکثر تا ۱۰ رشته در حوزه انتخاب اولش باشد و بقیه، رشته‌ها را که فقط برای دانشگاه رفتن انتخاب می‌کند و این، باعث اتلاف منابع می‌شود). انتخاب رشته براساس سوابق تحصیلی این امکان را فراهم می‌کند که داوطلب در رشته‌ای تحصیل کند که علاقه‌مند است، لذا می‌تواند بر مبنای سوابق تحصیلی به دانشگاه پیام‌نور، آزاد یا غیردولتی برود. این فرصت مغتنمی است که جلوی اتلاف منابع انسانی و مالی کشور را می‌گیرد. بنابر گزارشی که سازمان سنجش اعلام کرده بود، بیش از ۶۰ درصد فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها در رشته‌های مربوط به خودشان کار نمی‌کردند. معنایش این است که ما چهار یا پنج سال سرمایه کشور را خرج می‌کنیم افرادی را آموزش می‌دهیم تا لیسانس یا فوق‌لیسانس بگیرند ولی در نهایت در رشته دیگری غیر از رشته تحصیلی خود کار می‌کنند. این‌ها ناشی



● کاهش ۷ میلیون نفر جمعیت دانش‌آموزی
تأثیر خود را امروز در مسئله ورود به آموزش عالی نشان می‌دهد

از تغییر هرم جمعیتی کشور و کاهش شدید میزان داوطلب در دانشگاه‌هاست. به تازگی، یکی از مجموعه‌های دانشگاهی که ظرفیت بیش از ۳۱۰ هزار داوطلب داشته است، اعلام کرده است که تنها ۶۰ هزار نفر برای ثبت‌نام مراجعه کرده‌اند، یعنی ۲۵۰ هزار نفر آنجا ظرفیت خالی وجود دارد! این همان تغییری است که در آموزش و پرورش اتفاق افتاد و ۱۸/۵ میلیون جمعیت دانش‌آموز ما در سال‌های دهه ۷۰ در سال‌های اخیر به ۱۱ میلیون رسید؛ یعنی ۷ میلیون جمعیت دانش‌آموزی کاهش پیدا کرد. این همان کاهش دانش‌آموزی است که امروزه به آموزش عالی نیز رسیده است که یک میلیون و پانصد و یک میلیون و هفتصد هزار نفر داوطلبان کنکور بودند، در سال‌های اخیر به هشتصد هزار نفر رسیده است. به تبع این وضعیت هم به لحاظ فرهنگی و اجتماعی تغییری اتفاق افتاده و آن این است که جامعه، خصوصاً پسران، متوجه شدند که اگر کسی می‌خواهد دسترسی به شغل پیدا کند، راه آن تحصیل در دانشگاه نیست. وزارت کار در گزارش اشتغال کشور اعلام کرده است که ۶۷ درصد از شاغلان کشور دارای مدرک دیپلم یا پیش‌دانشگاهی هستند. این نشان می‌دهد که تراکم شغل در دانشگاه و مدرک دانشگاهی نیست، بلکه با مدرک متوسطه است. به همین جهت است که آمار نشان می‌دهد علیرغم آنکه ما در پایه سوم متوسطه نظری حدود ۵۵۰ هزار دانش‌آموز داریم، ولی در دوره پیش‌دانشگاهی این تعداد ناگهان به حدود ۴۳۰ هزار دانش‌آموز کاهش پیدا می‌کند؛ یعنی ۱۲۰ هزار دانش‌آموز از پایه سوم نظری به دوره پیش‌دانشگاهی نمی‌روند.

در واقع این افراد فکر می‌کنند که با همین دیپلم سوم که گرفته‌اند، و حتی بدون دیپلم، می‌توانند وارد بازار کار شوند فلذا ترجیح می‌دهند مثلاً آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و مهارتی را یاد بگیرند تا سرکار بروند و شغلی داشته باشند، که این مسئله بیشتر در مورد پسران است، چون اشتغال برای پسران جدی‌تر از دختران است. اثر این را هم در دوره پیش‌دانشگاهی می‌بینیم. نسبت دختران به پسران تغییر کرده است. (۶۳ درصد پسران)؛ همین را در مورد ترکیب ورود به دانشگاه هم می‌بینیم و این، نشان می‌دهد که یک تغییر فرهنگی اتفاق افتاده که به نظر من نوبدبخش است؛



*** بنابر پیش‌بینی‌ها، تغییر حرکت جمعیت دانش‌آموزی کشور نهایتاً تا ۱۰ سال دیگر به همان تعداد ۱۷ میلیون باز می‌گردد**

هر چند این به کنکور ربطی ندارد و شرایط اجتماعی باعث آن شده است. نوبدبخشی به این دلیل است که ما پیوسته به این نکته مواجه بوده‌ایم که مثلاً در گزارشی که وزارت کار در مورد بیکاری منتشر می‌کند می‌گوید: ما با تعداد زیادی فارغ‌التحصیل دانشگاهی که دارای مدرک تحصیلی کارشناسی و بالاتر هستند، روبه‌رو هستیم ولی برای آن‌ها در جامعه شغلی وجود ندارد. باز خورد وزارت کار در گزارشی اعلام کرده است که ۶۳ درصد از افرادی که برای کسب یک مهارت به مراکز فنی و حرفه‌ای مراجعه کرده‌اند، دارای مدرک لیسانس یا بالاتر هستند؛ یعنی مدرک تحصیلی دارند، ولی شغل ندارند، حالا می‌روند و یک مهارتی را می‌بینند.

امروزه جامعه دانش‌آموزی ما به این هوشمندی رسیده است که به جای آنکه به پیش‌دانشگاهی برود و بعد از ۴ سال وارد دانشگاه شود و بعد به دنبال کسب یک مهارت باشد؛ همین الان می‌رود و یک مهارت کسب می‌کند و وارد بازار کار می‌شود. در کشورهای توسعه یافته که این همه مورد توجه و اشاره هستند، امروزه اصلاً تحصیلات آکادمیک خیلی جایگاهی ندارد. اینکه شما در کشور ما می‌بینید کنکور دوره دکترا از کنکور دوره لیسانس مشکل‌تر شده است این ناشی از تب مدرک کشور ما است. در کشورهای توسعه یافته، برای حتی مدرک لیسانس هم این اندازه داوطلب وجود ندارد. آن‌ها یک اصطلاحی هم دارند تحت عنوان «سر ریز شدن مدرک تحصیلی»، و می‌گویند جامعه نیاز به این همه دکترا و پروفیسور و فارغ‌التحصیل ندارد. جامعه فقط در حد نیاز به دکترا احتیاج دارد، لذا اگر کسی مدرک دکترا بگیرد، به جای آنکه آن مدرک برای او یک مزیت شود، یک عامل منفی تلقی می‌شود. به هر کجا مراجعه می‌کند و تقاضای کار می‌دهد، به او می‌گویند چون مدرک دکترا دارد یک امتیاز منفی است. بنابراین مدرک برای او آفت می‌شود و به او می‌گویند شما که مدرک دکترا دارید و می‌خواهید کار یک لیسانس را انجام دهید، انتظارات در حد دکتراست، در حالی که همین کار را یک لیسانس هم انجام می‌دهد. در آنجا افراد بر مبنای تجربه عملی و سابقه کاری‌شان انتخاب می‌شوند. وقتی هم برای استخدام می‌روند از آن‌ها درباره مدرک تحصیلی‌شان پرسیده نمی‌شود بلکه می‌پرسند چکار کرده‌ای؟ چه مهارتی بلد هستی؟ لذا مسئولین ارشد نظام هم به همین دلیل تا این اندازه بر مسئله مهارت تأکید می‌کنند. ضمناً هرم شغلی باید به صورت صحیح وجود داشته باشد، یعنی پایه هرم نیروهای کار باشند که مستقیماً به کار می‌پردازند؛ در وسط

* معلم نباید فقط یک مجری صرف برنامه درسی، آن هم به شکل شکسته بسته در یک فرصت محدود باشد



که در سه سال اول برنامه، دولت باید فرصت مهارت‌آموزی را برای همه فراهم کند. از سال سوم به بعد، به کارگیری نیروها در تمام دستگاه‌ها، باید بر مبنای فارغ‌التحصیلانی که گواهی‌نامه مهارت دارند، باشد. حتی در دوره خدمت سربازی نیز بر اساس مصوبه مجلس در برنامه ششم توسعه، اشاره شده است که فارغ‌التحصیلانی که گواهی خدمت دارند باید در جایگاه مهارت و کار خود قرار گیرند. الان فضا خیلی خوب است. در همین سال‌های اخیر، یک تعدادی جشنواره را در بخش فنی و حرفه‌ای برپا کرده‌ایم. هدف اصلی ما از برگزاری این جشنواره‌ها، یکی معرفی توانمندی‌های دانش‌آموزان فنی و حرفه‌ای و کار دانش به جامعه بود و دیگر بگوئیم اینکه فقط یک المپیدی نیست که وقتی وارد فرودگاه می‌شود در گردش گل می‌اندازد. ما همین دیروز که از جشنواره هنری بچه‌های فنی و حرفه‌ای خراسان شمالی می‌آمدیم اولیا با بنر و تاج گل آمده بودند و از کسانی که در سطح ملی،

در حوزه مهارتی مقام کسب کردند استقبال نمودند، یعنی همان تعبیری که مقام معظم رهبری فرموده بودند ما به پنجه‌های قدرتمند احتیاج داریم؛ این‌ها، همان بچه‌ها هستند. این تأثیرگذاری بحمدالله ایجاد شده است؛ ما در بحث نیروی دریایی و نیروی کار در حوزه دریای، اکنون دو سال است که یک دریادار ایرانی در جلسه اختتامیه جشنواره ما شرکت می‌کند. او پارسال به کردستان آمد و اعلام کرد که نفرت اول تا سوم در نیروی دریایی استخدام خواهد شد. امسال هم به استان مرکزی آمدند و اعلام کردند که همان کار پارسال را انجام می‌دهند و

هرم تکنسین‌ها باشند که بر کار آن‌ها نظارت دارند و در رأس هرم نیز که قسمت کوچک هرم است، کارشناسان ارشد قرار گیرند. متأسفانه هرم ما الان برعکس است؛ یعنی در پایه هرم کارشناسان ارشد و دکترا هستند، در وسط هرم جایی کوچکی داریم به نام تکنسین‌ها که خیلی هم لاغر است و آن بالا هم نیروهای کار هستند که خیلی زیادند. در واقع مثل این است که یک نفر کار کند و صد نفر نظارت کنند! این، واقعیت تلخی است که باید برعکس شود. آن صد نفر باید کار کنند و یک نفر باید نظارت داشته باشد.

ما نباید همه منابع کشورمان را در آموزش عالی صرف کنیم و بعد شاهد باشیم که ۶۰ درصد کسانی که از این منابع استفاده کرده‌اند، از چیزهایی که یاد گرفته‌اند هیچ استفاده نمی‌کنند؛ یعنی صرفاً مدرک لیسانس یا فوق لیسانس یا دکترا می‌گیرند تا به آن‌ها آقای دکتر یا آقای مهندس و... بگویند. در واقع، همه این عناوین را به همدیگر تعارف می‌کنند.

● با وجود مسائل و چالش‌هایی که مطرح شد، راهکارهای توسعه همه‌جانبه و گسترده آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و مهارتی چیست؟

○ اقداماتی در جهت توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و مهارتی صورت گرفته است. اگر سخنان مقام معظم رهبری در روز ۱۷ اردیبهشت هر سال را پیگیری کنید می‌بینید که در هر سال ایشان روی آموزش‌های مهارتی و فنی و حرفه‌ای تأکید دارند. همین امسال نیز ایشان گفتند من چندین بار تأکید کرده‌ام ولی باز هم می‌گویم، چون آموزش‌های مهارتی مهم است. حتی ایشان امسال درباره مدرک‌گرایی هم سخن گفتند که یعنی چه، یک کسی می‌رود در دانشگاهی درس می‌خواند که فقط مدرک بگیرد! الان یکی از برنامه‌های جدی دولت، مسئله اشتغال است. و اخیراً مصوبه‌ای در مورد اشتغال تصویب شد که ۹۷۰ هزار شغل را برای سال ۹۶ هدف‌گذاری کرده است. ما نیز، بنابر خواسته دولت، برنامه ۵ ساله آموزش‌های فنی و حرفه‌ای را تهیه کرده و خدمت وزیر ارائه کرده‌ایم. البته برنامه ما نیازمند استلزاماتی از جمله: مصوباتی از دولت و مجلس است که این‌ها را باید وقتی نهایی شد از برنامه استخراج کنیم و در مراجع رسمی تصویب کنیم. خوشبختانه در برنامه توسعه ششم، هم در بحث هدف‌گذاری برای آموزش‌های فنی و حرفه‌ای که حدود پنجاه درصد آن انجام شده است و هم در بحث تجهیزات، برای همه دستگاه‌ها بودجه خوبی دیده شده است. در بحث اشتغال نیز گفته شده



* سند تحول فرصت تربیت را طلب می‌کند. فرصت تربیت باید این باشد که معلم با آرامش درس بدهد



در آگهی استخدامی اعلام کردند. بچه‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش چون کار مهارتی کرده‌اند در اولویت جذب هستند، اتفاق‌های خوبی در این حوزه در کشور، در حال انجام است که امیدواریم این اتفاق‌های خوب باعث شود بچه‌هایی که توانایی مهارتی دارند، فرصت‌های شغلی بیشتری برایشان فراهم شود.

● با شرایطی که پیشتر ترسیم کردید آیا غول کنکور حذف می‌شود؟

○ کنکور خودبه‌خود در حال حذف شدن است. الان برای دانش‌آموزهایی که در رشته ریاضی و تجربی تحصیل می‌کنند فرصتی فراهم شده تا به جز برخی از رشته‌ها در رشته‌هایی که رقابت شدیدی نیست، پذیرفته شوند. یکی از دلایل اصلی شرکت در کنکور در سال‌های اخیر رایگان بودن تحصیل در دانشگاه‌های دولتی است، مشکلات مالی یک مسئله جدی برای مردم است. مثلاً اگر قرار باشد فرزندان به جای یک دانشگاه دولتی در یک دانشگاه غیردولتی درس بخوانند و سالانه مبلغ زیادی شهریه دهد کدام را ترجیح می‌دهید؟ تازه دانشگاه‌های دولتی تغذیه هم می‌دهد و امکاناتی چون خوابگاه هم دارند.

یکی از مسائلی که متقاضی آن هستیم و در شورای پذیرش هم روی آن تأکید داریم، این است که ظرفیت دانشگاه‌های دولتی، آزاد شود و صرفاً بر مبنای سوابق تحصیلی انجام گیرد تا بچه‌ها بتوانند در آنجا از تحصیل رایگان برخوردار شوند. البته در مورد آن رشته‌های خاص مثل پزشکی تهران، دانشگاه شریف، دانشکده فنی دانشگاه تهران یا دیگر دانشگاه‌هایی که خیلی شاخص هستند می‌تواند این پذیرش متفاوت باشد. همانگونه که در گذشته، دانشکده نفت آبادان برای خودش کنکور مستقل داشت؛ دانشگاه شیراز هم همین‌طور؛ خیلی از دانشگاه‌ها کنکور مستقل داشتند و رقابت خیلی شدید بود؛ علت آن هم این بود که فردی که به دانشکده نفت آبادان می‌رفت؛ غیر از آنکه از نظر علمی بسیار قوی بود، از نظر شغلی هم، شغل تضمین شده و با کیفیت داشت و در واقع از همان اول کارمند وزارت نفت می‌شد. به هر حال، ما در برخی از دانشگاه‌هایمان که تعداد متقاضی

برای آنان خیلی زیاد است، ناگزیر هستیم به روش غربال‌گری دانشجو انتخاب کنیم. تمام تلاش ما آن است که جریان عمومی پذیرش دانشجو در کشور به سمت سابقه تحصیلی برود و البته این مسئله و فرصتی که پیش آمده خیلی بادوام نیست، چون بنابر پیش‌بینی‌های تغییر حرکت جمعیتی کشور، نهایتاً تا ۱۰ سال دیگر برمی‌گردیم به آن ۱۷ میلیون نفر دانش‌آموز و دوباره درخواست زیاد برای ورود به دانشگاه، اگر طی این ۱۰ سال، کشور بتواند این تغییر فرهنگ را که در کشور ایجاد شده است، (توجه به آموزش‌های مهارتی) تقویت و فشار کنکور را کمتر کند، موفق خواهد شد. اما اگر موفق نشود این تغییر فرهنگی را حفظ کند و فرصت‌های خوب شغلی برای بچه‌هایی که دنبال آموزش مهارتی می‌روند، فراهم نشود، دوباره ممکن است فرهنگ جامعه به سمت دانشگاه برگردهد، اما اگر این شرایط فراهم شود ما بعد از ۱۰ سال خیالمان راحت خواهد بود که دیگر فشاری به نام کنکور روی دوش بچه‌هایمان نخواهد بود.

● دغدغه کاهش ساعات درس و زمان کم آموزش در برخی دروس برای دبیران مشکل ایجاد کرده است و تعطیلی پنج‌شنبه‌ها نیز بر این مشکل افزوده است، چه باید کرد؟

○ علیرغم آنکه در تصویب جدول برنامه ساعات درسی، نظر کارشناسی و ضعف‌های اجرایی آن را بیان کردیم و اعلام کردیم که موضوعات درسی باید در خدمت آموزش و یادگیری باشد نه یادگیری و آموزش در خدمت موضوعات درسی، استقبال خوبی از آن در سازمان پژوهش و دفتر تألیف نشد. همان بحثی که در مورد استلزامات اجرای برنامه درسی گفتیم، وقتی که ما ۳۵ ساعت درسی را برای ۵ روز هفته در نظر می‌گیریم، معنایش قربانی کردن برخی از دروس است ما اصرار کردیم جدول برنامه درسی باید روی ۳۰ ساعت بسته شود تا یک جدول برنامه درسی متوازنی باشد. بیش از ۶ ساعت درسی در مدرسه تحقق نمی‌یابد. همین جدول مواد درسی یا باید هر روز ۷ ساعت باشد یا بعضی روزها ۸ ساعت باشد و بعضی روزها ۶ ساعت؛ که عنوان ۸ ساعت آموزش، این‌طور می‌شود که بچه‌ها ساعت ۸ بروند مدرسه و ۳ بعدازظهر برگردند در کدام مدرسه می‌تواند اجرا شود؟ در حالی که در طول روز بچه‌ها باید زمانی را استراحت، وقت ناهار و... داشته باشند. این‌ها آسیب است. در هر حال، ما نظر کارشناسی خود در آن زمان گفته‌ایم و معتقد هستیم که

* بچه‌های ما باید مفاهیم را عمیق‌تر یاد بگیرند و البته «چگونه یاد گرفتن» را نه فقط دانش را



درسی را اضافه می‌کردند که جدول، ۳۵ ساعتش پر می‌شد، در واقع، این اتفاق خوب نیست. بنابراین باید برنامه‌های درسی سبک شود تا فرصت تربیت در مدرسه و فرصت تعامل معلم و دانش‌آموز فراهم شود. معلم نباید یک مجری صرف برنامه درسی، آن هم به شکل شکسته بسته در یک فرصت محدود باشد. این بازنگری باید اتفاق بیفتد و این بازنگری هم باید از سازمان پژوهش شروع شود. این باور باید در سازمان پژوهش ایجاد شود که چه چیز برایش مهم است؟ سند تحول، حرف اصلی‌اش تغییر ریل آموزش و پرورش از آموزش به تربیت است. در کشور سنگاپور، وقتی که در سال ۱۹۹۹، سند تحولی مانند سند تحول ما تدوین و تولید شد، یکی از مصوبات آن‌ها این بود که محتوای آموزش باید کاهش پیدا کند و فرصت برای تربیت، فرصت برای تعامل معلم و دانش‌آموز و فرصت برای اولیای دانش‌آموزان فراهم شود و این‌ها با نگاهی که ما به موضوعات درسی داریم اتفاق نمی‌افتد. اینکه اگر به شما ۲۲ ساعت وقت برای آموزش می‌دهند نباید همه‌اش آموزش صرف باشد. از طریق گروه‌های آموزشی کتاب‌های پایه دهم را ارزیابی کرده‌ایم و نتیجه‌اش را نیز برای سازمان پژوهش فرستادیم. در اکثر دروس، نظر اغلب معلمان این بود که محتواها برای آن ۲۲ ساعت زیاد است و این امر باعث می‌شود نه یادگیری خوبی انجام شود، نه حرکت به سمت سند تحول اتفاق افتد. سند تحول بالاخره فرصت تربیت را طلب می‌کند. فرصت تربیت هم باید این باشد که معلم با آرامش درس بدهد. فرهنگی در زمینه آموزش داریم که آقای دکتر آرانی درباره آن کار و مطرح کردند ایشان معتقدند که: «ما در واقع به جای آنکه مفاهیم محدود یا معدودی را عمیق آموزش دهیم، مفاهیم متعددی را کم‌عمق آموزش می‌دهیم.» لذا این روند باید تغییر کند و بچه‌های ما مفاهیم را عمیق‌تر یاد بگیرند و البته «چگونه یاد گرفتن» را یاد بگیرند، نه فقط «دانش» را. در واقع، امروز با این همه وسایل و امکانات یادگیری و دریای اطلاعات آموزشی، دانش‌آموز اگر یاد گرفت چگونه یاد بگیرد، خودش می‌تواند راهش را بیابد و به جلو رود، لذا آن سؤال شما بسیار مهم است و ما اگر دغدغه کنکور داریم خودمان باید حداقل در داخل آموزش و پرورش قدم‌هایی را برای ارتقای کیفیت یادگیری برداریم و این قدم‌ها از خود ما شروع می‌شود.

۳۵ ساعت تدریس برای ۵ روز جوابگو نیست و برگرداندن پنج‌شنبه‌ها هم صرفاً برای دوره دوم متوسطه امکان‌پذیر نیست، یا باید همه دوره‌های تحصیلی ۶ روزه شوند که مثلاً الان دوره اول متوسطه ۳۰ ساعته شده است؛ یعنی ۵ تا ۶ ساعت؛ یعنی در ۵ روز بسته شده است یا در دوره ابتدایی، ۲۵ ساعته شده است ۵ تا پنج ساعت بچه‌ها در هفته درسی می‌خوانند لذا چندین بار در مورد برگرداندن پنج‌شنبه‌ها بحث شد و حتی پیشنهاد این بود که در دوره دوم متوسطه اجرا شود ولی آن هم به دلایل مختلف امکان‌پذیر نیست و وقتی هم برگرداندن پنج‌شنبه‌ها به دلایل کارشناسی و نداشتن امکانات لازم برای ۸ ساعت آموزش در روز ممکن نیست، باید بپذیریم که آموزش ما در ۵ روز اتفاق بیفتد. بنابراین، با امکانات موجود، آموزش و بهره‌وری آموزشی افت می‌کند؛ اضطراب در بچه‌ها افزایش می‌یابد؛ و فشار روی معلمان هم بیشتر می‌شود چون مدام نگران هستند که این محتوا را تمام کنند اما وقت و شرایط این امکان را به آن‌ها نمی‌دهد. در واقع، کارشناسان و همکاران ما در دفتر تألیف باید به این نکات توجه داشته باشند، اینکه من ۳۷ ساعت ۳۷ هفته در اختیارم است، آن هم ۳۷ هفته‌ای که روی کاغذ نوشته شده است و هر ساعت آموزش هم ۵۰ دقیقه است پس باید برای آن فکری کنم. این، حاصلش همان سؤال شما می‌شود که، دغدغه شما و معلمان عزیز در سطح مدرسه و در کلاس می‌شود.

● با توجه به جدول ساعات دروس موجود و محتوای تولید شده، به هیچ‌وجه ارزشیابی درست و اصولی در کلاس درس انجام نمی‌شود نظر شما چیست؟

○ خوب، به‌خاطر آن است که فرصتی وجود ندارد. در کلاس تراکم دانش‌آموز است، معلم شتاب دارد که محتوا را تمام کند، لذا به نظر می‌آید که اگر قرار است مسئله‌ای حل شود، سازمان پژوهش باید روی موضوعات مهم درسی کار کند و اگر برایشان آموزش با کیفیت مهم است، سعی کنند دیسپلین‌ها و موضوعات درسی در اختیار آموزش باشند، نه اینکه آموزش در اختیار دیسپلین‌ها، این موضوع، بسیار جدی و مهم است. همین دیروز یکی از معاونان وزارتخانه زنگ زد و پرسید که شنیده‌ام فلان درس به دروس ریاضی اضافه شده است، گفتیم بله. گفت: ربطی دارد؟ گفتیم ربط دارد، چون اگر این درس نبود، مجموعه برنامه درسی می‌شد ۳۳ ساعت و دو ساعت کمتر از ۳۵، و دوستان ما هم باید یک